

ویژگی‌های هنر تصویرسازی

* دکتر سیدمحمد فدوی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۵/۳۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۴/۱۱/۱

چکیده:

پژوهش حاضر تلاش دارد ضمن بررسی تخصصی تعاریف و چگونگی پیدایش هنر تصویرسازی، تفاوت‌های این رشته تخصصی هنر را با دیگر رشته‌ها و سیر تحول آن را در ابتدای تاریخ بیان نماید. تصویرسازی هنری است که در طول تاریخ تا عصر حاضر بیش از رشته‌های هنری دیگر گسترش یافته و کاربردهای گوناگونی پیدا کرده است. بررسی آثار تصویرسازی به جامانده از دورترین اعصار تاریخ تا کنون به ویژه دوران پیش از تاریخ، ما را با وضعیت روان‌شناختی، مسائل فرهنگی و اعتقادی و روابط اجتماعی جوامع بشری آشنا می‌سازد. وسعت دامنه تاثیرگذاری این رشته هنری بر مخاطبین از شروع زندگی انسان در غار تا کنون از ویژگی‌های بارز آن است. تاسیس مقطع کارشناسی ارشد در سه دهه گذشته در دانشگاه‌های معتبر جهان و نیز دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، اهمیت پژوهش در خصوص این رشته تخصصی را بیش از پیش مشخص می‌سازد.

واژه‌های کلیدی:

تصویرسازی، نقاشی محض، روایت تصویری، هنر کاربردی.

* استادیار گروه ارتباط تصویری و عکاسی، دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
E - mail: smfadavi2006@yahoo.com

۱- مقدمه

جهت زیباسازی و نیز بیان بهتر مفاهیم، در کتب مختلف ارائه شد. بنابر مستندات فراوان تاریخی، آثار تصویر سازی بهترین اسناد مصوری است که ما را با فرهنگ و تمدن های مختلف، حوادث بزرگ و کوچک تاریخی، مفاهیم و عقاید جوامع گوناگون بشری از اعصار گذشته تاکنون، آشنا می سازد.

تصویرسازی هنری کاربردی است که در طول تاریخ به شیوه های مختلف جهت روایت حوادث، موضوعات و مفاهیم گوناگون، مورد توجه انسان قرار داشته است. آثار تصویرسازی ابتدا روی دیوارها، اشیاء و وسایل دست ساز به نمایش گذاشته می شد؛ پس از ابداع کتاب، عمده آثار تصویرگرانه

۲- تصویرسازی چیست؟

مهم ترین وجه تمایز بین تصویرسازی و هنر تزئینی است. برای مدت زمان کوتاه تصویرسازی به این منظور پی گیری شد، اما به زودی نگارش الفبایی جایگزین آن گردید.^۱

در قرون وسطی، هنگامی که نسخه های خطی برای تعلیم و تعلم و یا خرید و فروش و ثروت اندوزی نگارش و تصویرسازی می شد، هنر تصویرسازی ارج و قرب بیشتری داشت، گرچه در همان قرن های میانی در دوره هایی که سنت های خاصی رایج بود، تزئین متون با نقوش تزئینی نیز اهمیت فراوانی داشت. از طرفی، شواهدی وجود دارد که نشان می دهد در آن دوره تفاوت چندانی بین این دو شیوه هنری وجود نداشته است. همچنین در این دوره، نمادگرایی، بخش مهمی از هنر را شامل می شده است و این فرایند منجر به طراحی نقوش نمادین فراوانی شد. می توان یادآور شد که در آن روزگار، اغلب کارها جنبه تصویرسازانه داشته است، هر چند کاربرد تزئینی پیدا کرده باشد.

در تقسیم بندی های امروزی که نتیجه گسترش و تنوع تخصص های هنری است، تصویرسازی در زیر مجموعه ارتباط تصویری گرافیک (Graphic) قرار می گیرد. اگر چه این هنر به جهت کاربرد گسترده آن در طول تاریخ بشر و به ویژه روزگار کنونی تبدیل به یک رشته تخصصی مستقل شده است.

به نسبت رشد کمی و کیفی جوامع بشری و به خصوص، با تغییر و تحول عمده ای که در زمینه بهره گیری از تکنولوژی نوین صورت گرفته، کاربرد تصویرسازی رشد چشمگیری پیدا کرده است. بررسی آثار مختلف دوره های تاریخی روشنگر این واقعیت است که اغلب آثار ارائه شده در زمینه نقاشی، حجاری، نقوش برجسته و مانند آن، بیشتر جنبه تصویرسازی داشته است.

تصویرسازی از نظر تاریخی دارای قدمت بسیار است، به گونه ای که برای بیان تاریخچه آن باید از تصویرسازی های

تصویرسازی را در زبان فرانسه و انگلیسی به Illustration می شناسند. در زبان عربی "مصور" کسی است که کار تصویرگری و تصویرسازی را بر عهده دارد. خداوند در قرآن کریم از خود به عنوان مصور یاد می کند.

"هو الله الخالق الباری المصور له لاسماء الحسنی" سوره حشر آیه ۲۴. اوست خدایی که آفریدگار است، صورت بخش است، اسم های نیکو از آن اوست.

در تاریخ هنر همه آنهایی که دستی به قلم داشتند و می توانستند با ابزارهای مختلف و روش های گوناگون موضوع و مفهوم خاصی را به تصویر بکشند، با عنوان تصویرساز شناخته می شدند. باورها و انگیزه های دینی، اجتماعی، و در پاره ای از موارد، تفکرات توهم آمیز، انسان را از آغاز حضورش بر کره خاکی واداشته است تا با به کارگیری هنر تصویرسازی راوی وقایع تاریخی و مسائل مختلف روزمره زندگی خود باشد. تصویرسازی و نگارش در حقیقت از یک ریشه مشترک نشأت می گیرد. امروزه از حروف و تصویرسازی بدون هیچ گونه تمایزی برای توضیح موضوعی استفاده می کنیم. هر کدام به منظور برقراری ارتباط و ایجاد یک تصور ذهنی مطمئن به کار گرفته می شوند. موضوع برقراری ارتباط ممکن است با مطالعه روی تصویرسازی گله ای از گوزن های شمالی باشد که توسط انسان اولیه با کمک خطوط ساده روی دیوار ترسیم شده است. در این مطالعه، بر اساس نشانه شناسی می توان به اطلاعاتی دست یافت.

"از یک جهت همه هنرها جنبه تصویر سازانه (Illustrative) داشته اند و از جهتی، تصویرسازی خود به عنوان ادبیات مقدماتی بشر محسوب می شود. نیاز به نوشتن ساده ترین هدف انسان در تصویرسازی های اولیه است. آنچه بیان شد

حاضر رسیده است"^۲.

"از طریق بررسی و پیگیری تاریخ تصویرسازی می‌توان مسیر اصلی تمدن را در تاریخ از دوران باستان تا عصر کنونی به راحتی تشخیص داد. این بررسی اطلاعات زیاد راجع به ادبیات، فلسفه، معماری نوع لباس‌های اقوام مختلف و نوع ظروفي که استفاده می‌کرده‌اند برای ما فراهم می‌کند. حتی از طریق بررسی نوع تصاویر از نظر هنری می‌توان به میزان گسترش تمدن در زمان‌های مختلف پی برد"^۳.

تصویر از روشن‌ترین و گویاترین اسناد تاریخ بشر است. این اسناد در صورتی که آگاهانه و کارشناسانه بررسی شود، اطلاعات دقیق و غیر قابل انکاری را به ما ارائه خواهد داد. تصویرسازی‌ها اسنادی ارزشمند هستند که هرگز به ما دروغ نمی‌گویند.

"زبان تصویر و ارتباط بصری از لحاظ توان، خواه برای آشتی دادن انسان با شناخت خویش و خواه برای موجودیتی یکپارچه بخشیدن به او از معتبرترین وسایل است. زبان تصویر به انسان امکان می‌دهد که تجربه کند و تجربیاتش را در شکل قابل مشاهده مستند سازد. هنرهای تجسمی، تجلیات عالی زبان بصری هستند، و بنابراین ابزارهایی آموزشی‌اند که قیمتی بر آنها متصور نیست"^۴.

"در گذشته "مصور کردن" محدوده مشخص نداشت و تخصص در آن دارای ویژگی معینی نبود. هر کسی که دستی به قلم داشت می‌توانست مصور یا تصویرگر باشد و هر هنرمندی مدعی تصویرگری هم بود. طراحان، حکاکان، نقاشان و مجسمه سازان و غیره، کارشان را مصور کردن و تصویرگری می‌دانستند، زیرا که می‌پنداشتند اثرشان را بر اساس تصویر کردن موضوعی به وجود می‌آورند. تصویرگری عبارت از تجسم تصویری یک موضوع برای نمایش بهترین فضای مطلوب و در نهایت درک بهتر آن است. بیان تصویری در تمام هنرها یکسان عمل می‌کند؛ هر چند که وسایل و شیوه‌های اجرایی آنها با هم متفاوت است و این تفاوت‌های اجرایی فقط گاهی مرزهای ظریفی را در بیان آنها ایجاد می‌کند"^۵.

الف- تفاوت‌های عمده هنر نقاشی و تصویرسازی

تعیین حدود مشخص تفاوت میان نقاشی و تصویرسازی، همواره از پرسش‌های دانشجویان و هنرجویان در کلاس‌های درسی تخصصی است. لذا لازم است که اشاره‌ای هر چند اجمالی، به تفاوت‌های میان این دو تخصص هنری داشته باشیم. تصویرسازی در قید و بند موضوع و بیان حالات مختلف موضوع تصویرسازی شده است. از این جهت، زمان و مکان و بیان حالات روانی شخصیت‌ها، نقش مهمی را در آن ایفا می‌کند. در صورتی که اگر یک اثر هنری تجسمی که با فرم و رنگ، خط، نقطه و سطح سر و کار دارد، از مسائل یاد شده رهایی یابد به حوزه هنر نقاشی به عنوان هنر محض و نا-

انسان اولیه در مرحله غارنشینی آغاز کرد.

در حال حاضر تصویرسازان در زمینه‌های گوناگون فعالیت دارند. تصویرسازی مطبوعاتی، کتاب کودک، علمی، فرهنگی، فیلم‌های نقاشی متحرک (Animation انیمیشن) و کامپیوتر از جمله فعالیت‌هایی است که تصویرگران امروزی به آن می‌پردازند. تصویرسازی‌ها در طول تاریخ مانند آثار روی دیوارهای غارهای مختلف، با قدمتی حدود ۱۷ هزار سال و پس از آن، تصویرسازی‌های تمدن‌های باستانی ایران، بین‌النهرین، یونان و مصر - تصویرسازی‌های روی پوست حیوانات که نخستین کتب تصویرسازی شده تلقی می‌شوند، و نیز تصویرسازی‌های کتب دست‌ساز کاغذی عمده‌تاً بیان‌کننده این واقعیتند که تصویرگران با بهره‌جویی از این فن تلاش نموده‌اند راوی وقایع مختلف روزگاران خود و بیانگر عقاید دینی و حوادث تاریخی و روشن‌کننده برخی علوم نظری و عملی و متون ادبی خود باشند. تصویرسازی هنری است که هنرمند به کمک آن اقدام به روایتگری تصویری می‌کند. در واقع، تقویت درک مفاهیم مختلف علمی، ادبی به کمک تصویر و احساس ملموس تر وقایع تاریخی وظیفه اصلی تصویرسازی است. اولین تجربه‌های تصویرگرانه را بشر در مرحله غارنشینی به منصفه ظهور رساند. آثار به دست آمده از درون غارها، بیانگر این واقعیت است که انسان اولیه بی تجربه اما هوشمند است و پس از آشنایی با مواد رنگی طبیعی اطراف خود به این ابتکار تاریخی دست یافت که می‌تواند به کمک خطوط و سطوح رنگی، تصاویری را روی سطوح مختلف از جمله دیوارهای غارها ترسیم کند. شاید طرح نقش دست‌رنگ شده انسان غارنشین نماد نخستین امضای انسان باشد و درک این واقعیت در وهله نخست، برای او بسیار شگفت‌آور بود. در ضمن، این تجربه به او آموخت که با کمی تمرین می‌تواند به خلق تصاویر مختلف بپردازد و از این پس بود که توانست به کمک آفرینش تصاویر، موجب کشف این خصوصیت بارز انسانی یعنی "خلاقیت" گردد. تصویر مهم‌ترین ابزار بیان انسان در طول هزاران سال گذشته بوده است. سعی در تبیین واژه‌ها، معانی و مفاهیم مورد نظر در قالب تصویر، عامل اصلی ابداع خط تصویری عیلامی، سومری و (هیروگلیف Hieroglyph) در مصر باستان شد. بدون شک و تردید خط تصویری مهم‌ترین کاربرد تصویرسازی در زمینه پیام‌رسانی و ارتباطات بشری است. "مسئله اجداد خط‌های کنونی، تصویرهای نخستین‌اند، و کتاب‌های چاپی امروز که در آنها مفاهیم، به خط بیان می‌شود، تکامل یافته‌تصویرهای روی سطوحی است که در دسترس بشر بوده‌اند. بنابراین، اگر به تعبیری، دوره‌های نخستین فرهنگ و تمدن را در مقایسه با عصر کنونی، از نظر حد و حدود آگاهی و شناخت، همچون دوران کودکی انسان به حساب آوریم، می‌توان گفت که انسان، دوران کودکی خویش را با کمک کتاب‌های مصور همان دوران طی کرده، رشد یافته و به عصر

"هنری ماتیس در سال ۱۹۴۶ در یکی از برنامه‌های خود گفت که وی تفاوتی بین یک کار تصویرسازی و یک تابلو نقاشی نمی‌بیند. این نظر او مرزبندی‌ها و ارزش کار تصویرگران را تثبیت کرد. اما از نظر اکثر تصویرسازان، این عقیده ماتیس که فکر می‌کرد تصویرسازان همانند نقاشان آزادی عمل مطلق دارند، بیشتر شبیه یک آرزوی غیر واقعی و غیر قابل دسترس است، زیرا تصویرسازان همواره تحت فشار روانی سفارش دهندگان، باید توانایی هنری خود را به ظهور برسانند. در واقع، هر تصویرگری با محدودیت‌های اجباری کار تصویرسازی خود را انجام می‌دهد. در این صورت ماتیس چگونه می‌توانسته کار نقاشی روی بوم خود را به کار تصویرسازی صفحات کتاب منتقل نموده و با تفاوت‌هایی روبرو نشود."^۶

ب- اولین تصویرگران تاریخ

انسان غارنشین پس از فراغت از فعالیت‌های روزانه و در کنج خلوت و تنهایی خویش در دل غار و به دور از دهانه ورودی آن، با ابتدایی‌ترین وسایل و مواد طبیعی اطراف خود اقدام به تصویرگری بر روی دیواره غار می‌کند. نمایش تصویری اشیاء، پدیده‌های طبیعی و بخصوص جانوران وحشی اولین دست نوشته‌های مصوری هستند که از انسان اولیه برجای مانده است. و این شروع خلاقیت هنری انسان پیش از تاریخ است. انسان عصر حاضر با بهره‌گیری از دانش و فن آوری دریافته است، آثاری که از انسان‌های غارنشین بر جای مانده قدمتی در حدود ۱۵ تا ۱۷ هزار سال دارد. بررسی تصاویر غارهای کشف شده در سرزمین‌های مختلف بیانگر این واقعیت است، که انسان غارنشین توانائی خاصی در طراحی و اجرای آثار هنری خود داشته است. نمونه‌های بارز این استعداد شگفت را می‌توان در تصویرسازی‌های غارهای مکشوفه دریافت. (تصویر ۱ و ۲)



کاربردی وارد شده است. بر این اساس، برخی از صاحب‌نظران مباحث نظری هنر بر این عقیده‌اند که در ارزش‌گذاری هنرهای تجسمی، نقاشی در مرتبه بالاتری از نظر ارزش هنری قرار دارد، زیرا در خلاقیت هنری هنگامی که اثر خلق شده در چارچوب زمان و مکان و موضوع گرفتار نباشد، هنرمند قادر است به صورت کامل‌تر بیان‌کننده عواطف و احساسات متعالی درونی خویش باشد. اولین آثار تصویری انسان که روی دیواره‌های غارها ترسیم شد، جنبه تصویرسازی داشته و انسان با هدف پیام‌رسانی و برقراری ارتباط و با بیان حوادث روزمره خود اقدام به این کار کرده است. این آثار عمدتاً، جنبه کاربردی دارند و بیان‌کننده حالات و توصیف حوادث آن روزگارند. زمانی نسبتاً طولانی گذشت تا خلق آثار هنری محض که بتوان آن‌را در حوزه هنر نقاشی مورد ارزیابی قرار داد، به‌منصه ظهور رسید.

ارتقای آگاهی و شناخت انسان در دوره‌های بعد و درک بیشتر او از ویژگی زیبایی‌شناسی، و نیز زیبایی دوستی که از تجلیات روحی و فطری انسان است، با توانایی‌های تکنیکی که در حوزه تصویرسازی از گذشته آموخته بود، در هم آمیخت و انسان را قادر ساخت تا به خلق آثار هنری محض که در حوزه هنر نقاشی جای می‌گیرد دست یازد. از این روست که می‌توان گفت هنر نقاشی نتیجه سیر تکاملی تصویرسازی در تاریخ است. شایان ذکر است که ظهور هنر نقاشی در تاریخ به منزله پایان کار تصویرسازی نبوده بلکه همانطور که شاهد آن هستیم از کاربرد این هنر تا عصر حاضر نه تنها کاسته نشده است، بلکه نیاز انسان از دوران کودکی تا پایان عمر به آن بیشتر احساس می‌شود. بر اساس آنچه بیان شد می‌توان در تفاوت هنر نقاشی و تصویرسازی چنین گفت: در تصویرسازی پایه و اساس کار "موضوع" است و بیان موضوع نقش عمده‌ای را بازی می‌کند. همه امکانات و ویژگی‌های لازم جهت ایجاد یک اثر تصویرگرانه در خدمت موضوع قرار می‌گیرند. از مجموعه آثار در طول تاریخ اثر تصویرگرانه‌ای را نمی‌توان یافت که فاقد موضوع مشخص باشد. و این در حالی است که هدف‌نهایی در نقاشی زیبایی و بیان حالات درونی و پنهان جان آدمی است. تغییر و تحول که در فرم و رنگ توسط هنرمند نقاش ایجاد میشود نتیجه دریافت‌های شهودی او از عالم مثال و کشف و شهود او از تصویر مثالی اشیا است که در قالب محسوسی ارائه می‌گردد. لذا هر چند سیر و سلوک و تعالی هنرمند در مرتبه بالاتری باشد و از شناخت بیشتری برخوردار باشد، آثار ارائه شده بی‌شائبه‌تر خواهد بود. بدیهی است با چنین تعریفی، موضوع در نقاشی به عنوان یک فرع و نه هدف مورد توجه قرار می‌گیرد. لذا با فرع شدن موضوع در نقاشی، قید زمان و مکان نیز کم‌رنگ می‌گردد. در صورتی که در تصویرسازی به جهت بیان موضوع، توجه به زمان و مکان و خصوصیات روانی شخصیت‌ها و جامعه مورد نظر اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند.

د- تصویرسازی عصر اساطیر

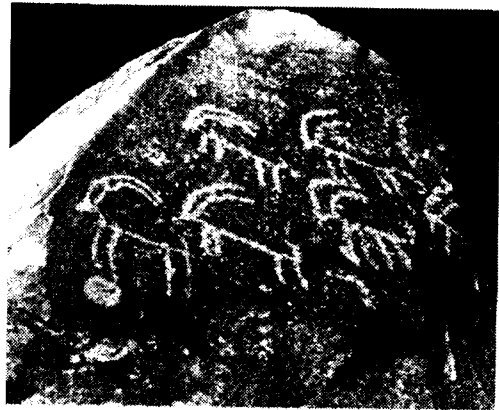
در تمدن‌های اولیه ایران و بین‌النهرین و مصر ساخت معابد و پرستش خدایان و یا خدای یگانه (در مقطعی که هدایتگر موحدی، هدایت مردم را بر عهده گرفت) و اعتقاد راسخ به زندگی پس از مرگ، نشانه تفکر دینی حاکم بر این جوامع است. "در گذشته، انسان آیینی متولد می‌شد، آیینی می‌زیست و آیینی چشم از جهان فرو می‌بست. دین و تجربه دینی کم و بیش، همه قلمروهای هستی و حیات آدمی را در برمی‌گرفت و هنر و هنرمندی نیز وجهی از آیین‌های آدمی بود. نقش سفالینه‌های او با مفاهیم آیینی، صور اساطیری، معتقدات دینی، تصورات او از هستی، واقعیت مرگ و زندگی، از ماجرای سرگذشت و سرنوشت وی و خلاصه آن که با همه زندگی او و با تمامی باورهایش در هم تنیده بود. هنر و همه نقش‌ها در پیشگاه خدا معنا می‌شد و همه چیز در نسبت با او نقش ایفا می‌نمود"^۹.

کشف و درک رموز موجود در تصویرسازی‌های اسطوره‌ای نیاز به ابزار خاصی دارد. ابهام موجود در این اشکال و عدم درک کامل آن، بر اساس اطلاعات ناقص امروزی موجب تفاسیر گوناگونی می‌شود. کارشناسان غربی در تجزیه و تحلیل آثار گذشته تاریخ، رموز حاکم بر آثار اساطیری را در حد تمثیل نازل کرده‌اند. نتیجه چنین تفکری عدم توجه به محتوای معنوی و فوق انسانی اسطوره را به همراه خواهد داشت. بی‌شک چنین تفکری حاصل بینش انسان مدارانه Humanistic این کارشناسان است.

ژاک سوستل J. Sostel، نویسنده و قوم‌شناس فرانسوی در تأیید این مطلب می‌گوید: "تمدن غربی، لاهوت را رها کرده است. بدین جهت درک هنر فرهنگ‌های دیگری را که بر مفاهیم دینی و جهان بینی خویش متکی هستند و تحت تأثیر اساطیر سنتی‌اند، دشوار می‌یابیم"^{۱۰}.

انسان در طول تاریخ همواره، تمایل خود را به نمادسازی نشان داده است. ارائه تصاویر نمادین از اشیاء و برخی مفاهیم از ویژگی‌های باورهای دوره حاکمیت خدایان اساطیری است. طبعاً، این تصاویر و اشکال نمادین و رمزگونه در آثار هنری ایز دوره، نمود بیشتری خواهد داشت.

شکل نمادین برخی مظاهر طبیعی بر روی ظروف سفالین پیش - تاریخی، توجه اقوام گذشته را به ساخت تصاویر نمادین بیشتر نشان می‌دهد. چند خط مارپیچی می‌توانست نشانه جوی آب باشد و یا مثلث‌ها نشانه کوه و چهار ضلعی‌ها نشانه زمینی زراعتی باشند. کاربرد این تصاویر نمادین که هر کدام معنا و مفهومی را بیان می‌کردند، بعدها، در تمدن مصر در قالب خط تصویرنگار "هیروگلیف" نمود بیشتری یافت، در حدی که این خط، به عنوان خط رسمی تمدن مصر باستان شناخته شد



کشف غارهایی مانند "لاسکو" - Lascaux در دوردونی فرانسه در سال ۱۹۴۱ - "آلتامیرا" - Altamir در اسپانیای شمالی در سال ۱۸۷۹ - و غارهای دیگر کشف شده در جهان از جمله غارهای میرملاس و دوشه در لرستان و سنگ نگاره‌های ارسباران آذربایجان شرقی در ایران، توجه خاص باستان شناسان را جهت دریافت اطلاعات بیشتری از زندگی انسان‌های اولیه به خود جلب نمود.

"آثاری که در غار هوتو در نزدیکی بهشهر از عصر میان - سنگی (مربوط به ۱۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ پیش از میلاد) به دست آمده نشان می‌دهد اساس تمدن در ایران از تمدن در مصر لاقبل پنج قرن و از تمدن هند بیش از هزار سال و از تمدن در چین دو هزار سال، پیش می‌افتد"^۷.

ج- انگیزه انسان اولیه در تصویرسازی‌های غار

جانسن Janson نویسنده کتاب تاریخ هنر، در بیان انگیزه خلق این آثار می‌گوید: "این تصویرها که در دل خاک پنهان نگاه داشته شده تا از آفت و مهاجمان و بیگانگان مصون بماند، می‌بایست مفید فایده و معنایی بس مهمتر از تزئین صرف بوده باشد. این نقش‌ها بخشی از آیین جادویی بوده است که به منظور تأمین شکاری موفقیت آمیز اجرا می‌شده است"^۸.

در صورتی که بپذیریم آفرینش هنری انسان، تجلی روح کمال جو و زیبایی طلب اوست که به شیوه‌های مختلف و در قالب و ساختاری محسوس ارائه می‌گردد. و اگر بپذیریم که تجرد روح در انسان، عامل اصلی توانایی او در خلاقیت هنری است، و این خصیصه از جانب خالق هستی در وی به ودیعه نهاده شده است، باید بپذیریم که منشاء هنر قبل از آنکه سحر و جادو باشد، نتیجه کنش روحی اوست که در عالم هستی متجلی شده است. و سحر و جادو و نیازهای مادی او، شاید اولین عواملی باشند که انسان اولیه بر اساس آن توانسته است این توانایی خاص خود را کشف نماید.

هنر تصویرگری به عنوان ابزار بیانی بسیار مؤثر، که در ابلاغ اندیشه و باورهای انسان کاربردی وسیع داشته و به حیات و سیر تکاملی خود ادامه داده است، ارزشمندترین میراث فرهنگی بشر را در طول تاریخ تشکیل داده است.

هـ- تصویر به مثابه کلمات

۲۱۰۰ سال پیش از میلاد خط میخی ابداع شد و به عنوان خط رسمی تمدن‌های ایران و بین‌النهرین شناخته می‌شد. همزمان با رواج خط میخی به کارگیری خط تصویرنگار هیروگلیف در تمدن مصر باستان نیز رایج می‌شود. پس از ابداع خط تلفیق خط و تصویرسازی همانند کاربرد آن در تصویرسازی‌های امروزی، فراوان یافت می‌شود. اغلب لوح‌های سنگی به جا مانده از تمدن‌های ایران و بین‌النهرین و تصویرسازی‌های مقابر مصریان، ترکیبی از خط و نقاشی است. خط هیروگلیف که به آن خط تصویری نیز می‌توان گفت، خود نوعی تصویرسازی است که جهت انتقال مفاهیم و اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گرفت. هنرمندان مصری جهت ساده و استیلیلزه نمودن اشکال طبیعی به منظور به کارگیری آن در خط هیروگلیف، مهارت خاصی را از خود نشان داده‌اند. این تلاش مصریان موجب رسیدن به تصاویری شد که در حد یک نشانه ساده شده بود. (تصویر ۳)

ابداع خط یکی از ضرورت‌های اصلی تمدن‌های کهن بود. همه اخبار و اطلاعات دقیقی که هم اکنون در دست انسان امروزی است، نتیجه به کارگیری خط جهت پیام رسانی در تمدن‌های گذشته است. تاریخ نویسان از مراحل ابتدایی استفاده از خط و ابداع آن، اطلاع دقیقی ندارند. حدوداً ۳۳۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد با تاکید بر پیش قدمی سومریان در تمدن بین‌النهرین در استفاده از خط، می‌توان تاریخ ظهور خط را در نظر گرفت. تکامل تمدن‌های اولیه بشر و نیاز به پیام‌رسانی و برقراری ارتباط و ثبت وقایع، ابداع خط را اجتناب ناپذیر می‌ساخت. (تصویر ۴)

معانی اصلی و فرعی	خط آشوری	خط بابلی قدیمی	اشکال و اشارات قدیمیترین میخی	تصویر مبدأ
برنده				
ماهی				
الاع				
گاو				
خورشید، روز				
غله، دانه				
باغ میوه				
شخم زدن				
رتاب کردن بومرنگ و آرواره کردن				
رفتن - ایستادن				



ام گیرنده من، من خیرده، جاودانگی بر او باد. من می درخشم



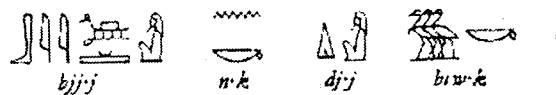
ز عشق به تو، در آغوش می‌گیرند دستان من بدن تو را



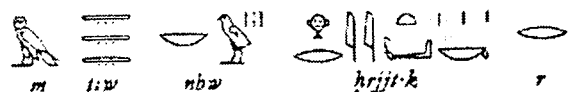
بفای حیات چه شیرین است مهر تو در



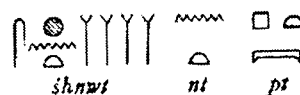
من، من فرار می‌دهم تو را در عبادتگاه مقدس خودم



ن می کنم ترا من اعطا می‌کنم به تو و وحشت (در برابر) تو



در کشورها همگی، هراس از تو را مرزهای عرش



اگان آسان

باید به این نکته ظریف توجه نمود که، قرن‌ها قبل از ابداع خط، مردمان آن روزگار در سیر تکاملی تمدن خویش تنها در قالب تصویر با ما سخن گفته‌اند و قطعاً اطلاعات مربوط به قبل از تاریخ، به دقت اطلاعات ما از دوره بعد از ابداع خط نیست، اما این موضوع، به معنای کم اهمیتی تاریخ قبل از خط نمی‌باشد. آثار به دست آمده از دوره قبل از تاریخ، به خوبی روشن‌گر واقعیت‌های آن دوره است و با تجزیه و تحلیل آثار مکشوفه

ابتدایی و گراور به کار گرفته شد، این وضعیت ادامه یافت. اما امروزه، با تحولات عظیمی که در شیوه انتشار کتاب پیش آمده، سبک کار تصویرگران هر کشور منطبق با فرهنگ و تمدن گذشته آن شخصیت خاص به خود گرفته است. "حتی در آمریکا با تنوع حیرت‌انگیزی در سبک کار تصویرگران روبرو هستیم که علت اصلی آن حضور هنرمندان مهاجر فراوانی است که با شیوه‌های سنتی خود در این کشور مشغول کار تصویرگری هستند"^{۱۱}.

"هنر تصویرسازی کتاب یک جریان خلاقیت هنری است که هنرمندان آن را با یک ایده آغاز می‌کنند، همانند طراحی و نقاشی که هنرمندان در آن نیز این گونه کار خود را شروع می‌کنند؛ این جریان عمدتاً با نگارش نویسنده شروع می‌شود. در اغلب موارد، یک نفر می‌نویسد و هنرمند تصویرگر دیگری آن را به تصویر می‌کشد. اما در پاره‌ای موارد، نویسنده و تصویرگر نیز یکی می‌شود.

از نظر تاریخی، تصویرسازی ابتدا برای روشن شدن مطالب، نوشته‌ها، قصه‌ها و حاشیه‌نامه‌ها و عبارات ابداع شد، و سپس به صورت تصاویر پرکننده صفحات کتاب توسعه یافت. هنرمند تصویرگر همانند یک گوینده، داستان را حیات می‌بخشد، و این کار را گاهی در حد احساسات، خلاقیت و بینش نویسنده متن انجام می‌دهد"^{۱۲}.

توسط کارشناسان خبره می‌توان به خوبی سیر تکاملی تمدن‌های قبل از تاریخ را تعقیب نمود.

و- تصویرسازی کتاب

امروزه با بیان واژه "تصویرسازی" همه مخاطبین به یاد تصویرسازی صفحات کتاب می‌افتند. البته این مسئله بسیار طبیعی است زیرا با توسعه کتاب‌سازی، تکثیر و نشر آن در هزاره گذشته، هنر تصویرسازی عمدتاً در رابطه با کتاب بوده است و تصویرگران معروف در تاریخ هنر ایران و جهان همواره در رابطه با کتب مشهور تصویرسازی شده، شناخته می‌شوند. اما در عصر جدید، این جریان تفاوت عمده‌ای یافته است، زیرا همانطور که قبلاً اشاره شد با گسترش فن‌آوری‌های جدید و توسعه کاربردهای تازه، این هنر در گستره وسیع‌تری عمل می‌کند. تصویرگران کتاب در دوره‌های گذشته با همان مشکل مواجه بوده‌اند که هنرمندان گرافیک امروزی نیز با آن روبرو هستند، و آن سفارش دهنده و یا متن مورد نظر جهت تصویرسازی است که هنرمندان چون برده‌ای باید تابع آن باشند.

در دوره‌های گذشته که تصویرسازی کتاب محدود به نسخه‌های خطی منحصر بفرود می‌شد، می‌توان به جرأت گفت که شیوه تصویرسازی در اغلب مناطق مختلف جغرافیایی تا حدود زیادی یکسان بوده است. حتی وقتی انواع چاپ‌های

نتیجه‌گیری

متعالی‌درونی انسان مورد نظر است. اگرچه در طول تاریخ هنر آثاری را می‌توان یافت که هم زمان ضمن داشتن خصوصیات هنر تصویرسازی، از ویژگی‌های هنر نقاشی محض نیز برخوردار بوده‌اند.

با ابداع کتاب، انبوهی از آثار تصویرسازی را اختصاصاً در نسخه‌های دست ساز می‌توان یافت. اما به کارگیری هنر تصویرسازی روی اشیاء مختلف چون ظروف، جنگ افزار و اشیاء دیگر علیرغم ابداع فن کتاب‌سازی منسوخ نگردید.

در عصر حاضر دامنه کاربرد هنر تصویرسازی آنچنان گسترش یافته است که در سیستم‌های آموزشی دانشگاهی برای هر کدام از گرایش‌های تخصصی آن چون انیمیشن (Animation)، تصویرسازی کتب علمی، کودکان، نشریات، تبلیغات و ... باید گروه تخصصی و یا دانشکده‌ای مستقل تأسیس نمود.

هنر تصویرسازی، عمری به طول مدت زمان ظهور انسان بر این کره خاکی دارد. از این رو بر اساس شواهد موجود، این شیوه هنری از کهن‌ترین شیوه‌های هنری است که انسان جهت رفع نیاز مادی و معنوی خود از آن بهره برده است.

تصویرسازی و نگارش از یک ریشه مشترک نشأت می‌گیرد. می‌توان مدعی شد که اجداد خط‌های کنونی، تصویرسازی‌های اولیه انسان است که در واقع ادبیات مقدماتی بشر را معرفی می‌کند.

آثار تصویری به دست آمده از گذشته‌های بسیار دور، صادق‌ترین اسنادی است که ما را از تمدن‌های بسیار کهن مطلع می‌سازند.

در هنر تصویرسازی توجه به موضوع، زمان، مکان، حالات و خصوصیات روان‌شناسانه انسان، اهمیت ویژه‌ای دارد، و این در حالی است که در هنر نقاشی بیان عواطف و احساسات

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- Preface Bland David (1969)
 ۲- ابراهیمی نادر (۱۳۷۶)، ص ۴۰
 ۳- Kelemin, Diana (1965) ۲۱ P
 ۴- کپس، جنورکی (۱۳۶۸)، ص
 ۵- ممیز مرتضی (۱۳۶۸)، ص ۲
 ۶- Beint Michele (1977) ۱ P
 ۷- آپهام پوپ - آرثر (۱۳۲۸)، ص ۵
 ۸- جانسن، هو (۱۳۵۹)، ص ۱۲
 ۹- الیاده - میرچا (۱۳۷۲)، ص ۳۸۱
 ۱۰- سوستل - ژاک (۱۳۶۳)، ص ۴
 ۱۱- Preface Bland David
 ۱۲- Kelemin, Diana, ۲۱ P

فهرست منابع فارسی:

- آپهام پوپ، آرثر (۱۳۲۸)، "شاهکارهای هنر ایران"، ترجمه و اقتباس پرویز خانلری، انتشارات فرانکلین، تهران.
 ابراهیمی، نادر (۱۳۷۶)، "مقدمه‌ای بر مصورسازی کتاب کودک"، انتشارات آگاه، تهران.
 الیاده، میرچا (۱۳۷۲)، "رساله در تاریخ ادیان"، ترجمه جلال ستاری، سروش، تهران.
 جانسن، هو (۱۳۵۹)، "تاریخ هنر"، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران.
 سوستل، ژاک (۱۳۶۳)، "هنر دینی و غیر دینی"، مجله پیام یونسکو، شماره ۱۷۱، تهران.
 کپس، جنورکی (۱۳۶۸)، "زبان تصویر"، ترجمه فیروزه مهاجر، انتشارات سروش، تهران.
 ممیز مرتضی (۱۳۶۸)، "تصویر و تصور"، انتشارات اسپرک، تهران.

منابع لاتین:

- Beint Michele (1977), "The Assouiatim of Illustration Second Annual Studio Vista", London.
 Bland David (1969), "A History of Book Illustration Faber & Faber", London.
 Kelemin, Diana (1965), "The Illustrated Book Bramhall House", Newyork.

منابع تصاویر:

- تصویر ۱ و ۲ - عکاسی آقای خانعلی صیامی عضو انجمن عکاسان آذربایجان شرقی
 تصویر ۳ - یوهانس فریدریش (۱۳۶۸)، "تاریخ خطهای جهان"، ترجمه فیروز رفاهی، انتشارات دنیا، تهران.
 تصویر ۴ - یوهانس فریدریش (۱۳۶۸) "تاریخ خطهای جهان"، ترجمه فیروزه رفاهی، تهران: انتشارات دنیا